

خبر

احتمال تعویق

جوایز اسکار ۲۰۲۱ به دلیل کرونا

بخش فرهنگی – برخی منابع خبری اعلام کردند، آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار در حال بررسی به تعویق انداختن اسکار ۲۰۲۱ به دلیل شیوع ویروس کروناست. به گزارش ایسنا، منابع خبری به وراثتی اعلام کرده‌اند آکادمی اسکار طرحی برای به تعویق انداختن نودوسومین دوره جوایز سینمایی اسکار در نظر دارد که البته هنوز به تصمیم نهایی و قطعی نرسیده است.

مراسم اسکار ۲۰۲۱ برای تاریخ ۲۸ فوریه سال آینده میلادی رنامه‌ریزی شده و هنوز خبر رسمی تعویق و تاریخ‌های احتمالی جدید این رویداد سینمایی منتشر نشده است.

دیوید روبین رئیس آکادمی اسکار در ماه آوریل و هم‌زمان با اعلام تغییراتی برای تسهیل واجد شرایط شدن آثار برای رقابت در اسکار با توجه به شرایط خاص بحران کرونا، تاکید کرد اکنون خیلی زود است که بدانیم پخش تلویزیونی مراسم اسکار ۲۰۲۱ تحت تاثیر شیوع ویروس کرونا قرار خواهد گرفت یا خیر و آگاهی از چشم‌انداز این جوایز در حال حاضر غیرممکن است.

آکادمی چندی پیش اعلام کرد، به سبب بحران جهانی ویروس کرونا، به‌طور موقت و تنها برای یک سال فیلم‌هایی که اکران سینمایی نداشته باشند را واجد شرایط رقابت در شاخه‌های این جوایز سینمایی خواهد دانست، این در حالی است که پیش از این ۷ روز اکران تجاری در منطقه لس‌آنجلس شرط ضروری حضور در جوایز اسکار بود.

آکادمی اسکار هنوز واکنشی به تعویق احتمالی جوایز اسکار ۲۰۲۱ نداشته است.



خوش‌گذرانی مهران غفوریان با ۴۰۰ دلار در لبنان مجموعه‌ای تلویزیونی که به شبکه نمایش‌خانگی می‌آید

بخش فرهنگی – سفر مهران غفوریان، امیرحسین صدیق و حسام لرژاد به شهرهای بیروت، بعلبک و جونیه در مجموعه تلویزیونی «با من خوش می‌گذره» به نمایش درمی‌آید. این هنرمندان با چالش هزینه تنها ۴۰۰ دلار، باید کاری کنند تا در این سفر به آن‌ها و تماشاگران مجموعه خوش بگذرد.

مجموعه «با من خوش می‌گذره» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی مرضی آتش‌ززم، آخر این هفته، در سه روز متوالی از طریق فیلیمو و نماوا عرضه می‌شود.

مهران غفوریان، امیرحسین صدیق و حسام لرژاد (خواننده پاپ) در مجموعه «با من خوش می‌گذره» در بیروت و دو شهر بعلبک و جونیه میزبان یک‌دیگر خواهند بود. این سه هنرمند در سفری ماجراجویانه و توریستی در کشور لبنان، هر کدام با هزینه‌ای مشخص (۴۰۰ دلار) رقابت کرده‌اند. بازیگران شناخته شده لبنانی از جمله مجدی منمشوشی، نعمی بدوی و ماریتارز معلوف نیز در کنار هنرمندان ایرانی در این سری حضور داشته اند.

در جریان این سفر، در هر قسمت، بینندگان با ظرفیت‌های گردشگری و دیدنی‌های بکر و چشم‌نواز کشورهای مختلف جهان آشنا می‌شوند. ضمن این‌که طی این سفر، تلاش شده گوشه‌ای از فرهنگ و هنر مردم لبنان به تصویر کشیده شود. قسمت اول این مجموعه، اواسط سال ۹۵ در شبکه ویدیویی توزیع شد، ولی به دلایلی، ادامه توزیع آن ممکن نشد تا این هفته به‌طور کامل از طریق فیلیمو و نماوا در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.



احسان علیخانی:

هر چه دارم از «ماه عسل» است

بخش فرهنگی – احسان علیخانی مجری تلویزیون، از دل‌تنگی خود برای تولید برنامه‌ای مثل «ماه عسل» گفت.

احسان علیخانی این روزها در حال ضبط فصل دوم «عصر جدید» است؛ قرار است این برنامه از شنبه هفته آینده پخش شود. شب گذشته این مجری تلویزیون، در گفت‌وگویی تصویری در فضای مجازی از ویژه برنامه‌های افطار امسال و ماه عسل صحبت کرد.

علیخانی درباره اینکه دل‌تنگ ماه عسل شده یا نه، گفت: «ماه عسل» دانشگاه من است؛ چرا که هرچه دارم متعلق به «ماه عسل» است.

وی ادامه داد: من هم دل‌تنگ و پی تاب فضا و جنس گفتم و گوی‌های ماه عسل هستم. مطمئنا دیر یا زود به فضا و اتمسفر «ماه عسل» برمی‌گردم حالا با یک شکل و شمایل دیگر؛ آن جنس گفتم و گو خیلی به ذائقه و سلیقه من نزدیک‌تر است. ۱۲ سال با کمک همکاران این برنامه را ساختم. تا اینکه احساس کردم می‌توان کار دیگری به خصوص در حوزه استعدادیابی انجام داد.

وی تأکید کرد: استعدادهای بسیاری خاک می‌خورند و همچنان پنهان هستند. بنابراین با به برنامه سازی در این حوزه گذاشتیم که به مراتب سخت و سنگین‌تر است.

علیخانی درباره شباهت برخی برنامه‌ها به «ماه عسل» هم گفت: در سال‌های آخر که ماه عسل را تولید می‌کردیم، تعدادی از برنامه‌ها شکل و شمایل ماه عسل را پیدا کرده بودند که ذوق مخاطب را کور می‌کرد، اما همچنان عشق و شوری که برای ساخت «ماه عسل» دارم تافته جدا بافته است.

او با اشاره به بود مخاطبان ویژه برنامه‌های افطار امسال که حدود ۲۶ درصد بود، گفت: آمار نظرسنجی اخیر صدا و سیما را دیدم. هر جوابی بدهم مربوط به فعالیت همکاران می‌شود؛ اما در کل می‌توانم بگویم که مخاطب خلاقیت ویژه‌ای در برنامه‌های افطار ندید.

وی افزود: البته دلیل مهم این ضعف ماجرای کروناست؛ شیوع این ویروس منحوس به ساختار برنامه سازی ما ضربه زد و عوامل برنامه‌ها زمان کمی برای تحقیق، مستندسازی، تشکیل عوامل فکر، دعوت مهمان و سفر داشتند.

{فرهنگ و هنر }

سید جواد رضویان:

سریال‌ها با رفتن عطاران خیلی رنگ‌وبوی رمضان ندارند

بخش فرهنگی – سید جواد رضویان با اعتقاد بر اینکه «کرونا هم گذاری است و رد می‌شود و می‌رود»، ادامه داد: به نظرم چیزهایی برای ما گذاشت. من این واژه را هر وقت می‌شوم ترجیح می‌دهم یاد اتفاقاتی بیفتم که این روزها در خیابان‌ها و خیریه‌ها دیده‌ام.

در روزهای کرونا یاد زمان جنگ افتادم؛ معنای ایثار دوباره زنده شد و تعبیر مجدد شد. به گزارش ایسنا، این بازیگر سپس درباره احتکار ماسک در زمان شیوع کرونا گفت: نان درآوردن از ترسیدن مردم! چطور تاوان پس می‌دهیم. من مانده‌ام اصلا این نان را می‌شود خورد.

بازیگر مجموعه‌های طنز گفت: در شب تولد امام زمان(عج) بچه‌ها پک‌های پنج تایی ماسک، جلوی در مسجد داخل ماشین مردم می‌انداختند. سر سلامتی آقا امام زمان (عج) پنج تا ماسک به مردم می‌دادند.

او درباره اینکه اگر شهردار تهران بود چه می‌کرد و چه نمی‌کرد، گفت: خیلی سوال سختی است. چون اداره کردن کلانشهری مثل تهران خیلی چیز عجیب و غریبی است. یک کارهایی را به عنوان فرهنگسازی شهردار می‌خواهد انجام بدهد و محکوم به ریا می‌شود. سه شنبه‌های بدون خودرو و با دوچرخه به سرسار رفتنش. بعد می‌گویند بابا اینکه آمده چند تا عکس بگیرد و بعد سوار بنزش شود و برود. ولی خوب خیلی سخت است.

رضویان همچنین در پاسخ به اینکه اگر یک پاک کن داشت چه چیزی را از چهره شهر پاک می‌کرد، گفت: ترجیح می‌دهم چاله‌های خیابان‌ها را پاک کنم. الان طوری آب از زیر ماشین من به ماشین بغلی پاشید که

بنده خدا اصلا جلوش را نمی‌دید؛ البته خیلی چیزها برای پاک کردن داریم. اگر شهردار بودم فضاهای فرهنگی بیشتری را به شهر اضافه می‌کردم. فکر می‌کنم خیلی فضای فرهنگی ساخته شد در سال‌های اخیر اما باز هم در کلان شهری مثل تهران نیاز داریم. امیدوارم شرایط کنونی و گذاری که در آن قرار داریم بگذرد و در سینماها باز شود و بفهمیم چقدر سینما و سالن تئاتر و کنسرت کم داریم. نمی‌دانم چطور کمبودهای فراوان را در شهرهای دیگر باید جبران کرد. او که مهمان برنامه «باغ رمضان» بود، درباره یکی از خاطراتش توضیح داد: خدا رحمت کند آقای کردان یکسری برنامه‌هایی سالانه برای ساری داشتند. ما آن روز آمدیم سر فیلمبرداری و یک پاترول از سازمان آمد و دستور رسید که سوار شوید برویم ساری. گفتم آقا یعنی چه ما سر فیلمبرداری هستیم. خیلی شیک ما را سوار کردند این‌قدر دست‌انداز داشت. پاترول هم خشک بود. رسیدیم آنجا و برنامه تمام شد. اگر اشتباه نکنم شب میلاد امام زمان (عج) یا حضرت امیر(ع) بود. تمام شد و حاج آقای پورمحمدی گفت کجا هستید و بعد گفت همین الان در همان ماشینی که رفتید می‌نشینید و برمی‌گردید. گفتیم حاج آقا هنوز ناهار نخورده‌ایم. گفت در مسیر در ماشین بخورید. نشستیم و ساعت ۱۰ شب شد به شبکه سه رسیدیم. با بچه‌های کمرا من چک کردیم گفتم دوربین فایل‌ال آقای اویسی را نشان می‌دهد من می‌خواهم من را نشان می‌دهد آقای اویسی می‌خواهد. یعنی این مدلی بود کارها و هیاتی اداره می‌شد.

بازیگر مجموعه‌های «نقطه چین» و «پاورچین» گفت: خدا حمید صدری را حفظ کند. جای خالی او و رضا عطاران چند سالی است در روزهای ماه مبارک رمضان احساس می‌شود. احساس می‌کنم بعد از رفتن رضا عطاران از تلویزیون کارها خیلی رنگ و بوی ماه مبارکی ندارد. امیدواریم زودتر به تلویزیون بازگردد. خیلی موافقم با اینکه یک جای کار می‌لنگد که هنوز هم سریال‌های قدیمی مخاطب دارند. کارهای جدید رنگ و بوی ماه مبارک رمضان را ندارند. او همچنین درباره مجموعه طنزی که برای شبکه سه سیما می‌سازد، گفت: فعلا اسم سریال «صفر بیست و یک» است. من و سیامک انصاری هستیم. کارگردانی را هم به اتفاق انجام می‌دهیم. نمی‌دانم چطوری!

جوادرضویان گفت: من صبح‌ها کلا اسلو هستم. تا ظهر تمپو و ریتم کلا وحشتناک است و بعد یک دفعه یک بعدازظهر پرنارژی دارم و بعد دوباره رو به غروب که می‌رود انگار تمام می‌شوم. در ساعت‌های ۲ تا ۷ عصر در پرنارژی‌ترین حالت‌م هستم، اگر ناهار نخورم که پرنارژی‌تر هستم. صدای من حمامی است. یک فیلمی را داشت‌م کار می‌کردم و چهار ترک برای این فیلم خواندم و به جان خودم در حمام دفتر خواندم. خدا سید کمال طباطبائی را رحمت کند. فیلم زندگی شیرین را می‌ساختیم و باید ترک‌ها قبل فیلم جمع می‌شد و من همه ترک‌ها را در حمام دفتر خواندم که پول استودیو ندهیم. او در ادامه درباره اینکه خدا با قطرات باران به بنده‌ها چه می‌گوید، توضیح داد: خدا به ما می‌گوید اگر فکر می‌کنی درِ بسته است نگاه کن و این برکت را ببین. این حال و این امید را ببین. مگر می‌شود یک چراغ خاموش شود و ۱۰ تا چراغ جلوی راهمان روشن نشود. امکان ندارد. شاید هم یک کمی دارد دلمان را می‌سوزاند که از ماه برکت

بیرون می‌زنیم. رضویان افزود: فکر می‌کنم یک چیزهایی شخصی است و مال خود آدم است و نباید بازگو شود. احساس می‌کنم همان‌طور که بزرگان می‌گویند سیرت آدم‌ها در صورتشان می‌آید این حال درونی ماست که به صورتمان بازمی‌گردد. یعنی اگر تو کار خیری می‌کنی سختی می‌کشی ولی وقتی خلاص می‌شوی یک حال خوش و یک سبکی به تو دست می‌دهد. ناخوسته شاید مالت در آن مسیر رفته باشد، از دهن زن و بچه‌ات زده باشی شاید از خانه و زندگات گذشته باشی شاید ساعت‌ها از خانواده دور باشی ولی وقتی آن اتفاق برایت می‌افتد ناخودآگاه این سبکی لبخند روی لبی می‌آورد. این را خیلی به من گفته‌اند که بابا تو که همیشه نیست باز است و نمی‌دانی غم چیست.

او در ادامه گفت: در زندگی هزاران اشتباه کرده‌ام. نمی‌توانم اولویت بندی کنم. صبح تا شب دارم اشتباه می‌کنم. دوست دارم از من آبرو به جای بماند. آبرویم حفظ شود. پدرم الحمدالله در قید حیات هستند و بهشان برمی‌خورد اگر من نکویم چه کاری دارم. با بچه‌ها گپ و گفت می‌کردم که چه چیزهایی برای خودم به جا گذاشته‌ام. چون اینقدر تکرار شده است در این سالها و تولید محتوایمان در این سال‌ها کم بوده و یا محتوای در شأن برای مخاطب نساخته‌ایم که رجوع کرده‌ایم به سال‌های گذشته و تأمین برنامه‌ای جلو رفته‌ایم. خیلی وقت‌ها کلماتی که ما به کار می‌بریم ورد زبان مردم می‌شود. شما هم اگر گویش قمی من در ذهنتان می‌آید به همین دلیل است.

رضویان افزود: یک خدا قوت به کادر پرستاری و اورژانس قم بگویم. مهدی فراهانی سخنگوی اورژانس قم است و در روزهای شیوع کرونا خیلی با هم در ارتباط بودیم. کمی و کاستی‌ها را می‌گفتند اما از اینکه بچه‌ها چطور در این جنگ سینه‌ها را سیر کرده بودند می‌گوید. عین همان زمانی که سینه را جلوی تیر قرار می‌دادند عزیزانی را از دست دادیم. در قم و گیلان که شهرهایی هستند که مثل تهران امکانات ندارند و درجه یک مدیریت کردند. دشمن گرم که فهمیدند کرونا از قم استارت می‌خورد.

او در ادامه درباره عکس‌هایی که در برنامه به نمایش گذاشته شد، گفت: روح عارف لرستانی قرین رحمت باشد. الهی بگردم خدا سعید پیردوست را حفظ کند. سیبیل مصنوعی‌های من در لبم فرو می‌رفت احساس می‌کردم سنجاق ته گرد فرو می‌رود در همین شرایط سعید پیردوست باید یک دیالوگ ۵ یا ۶ خطی می‌گفت و ما هم باید پاچه‌خواری او را می‌کردیم. من این سیبیل‌ها را در گوش سعید پیردوست می‌کردم. در همان شرایط دیالوگش را می‌گفت. نمی‌دانم چرا مهران غفوریان بعد از لاغری تغییر هویت داد. مهران شرایطی برای زانویش پیش آمد. یک تکه از استخوان لگنش را برداشتنده و به خاطر همین مجبور شد وزنش را کم کند. در یکسری از برنامه‌ها دیدید لنگ می‌زند و سخت راه می‌رود. خیلی به خودش سختی داد. بدون تعارف می‌گویم بهترین بازیگر تیپ ایران است. روی دست رضا شفیعی جم بازیگر تیپ ساز نداریم. من خودم غالبا تیپ شخصیت بازی می‌کنم ولی باید سر کلاس‌های رضا بنشینم. او انگار یک بانک و یک آرشیمو درونی عجیب و غریب دارد که سال‌هاست با آنها بزرگ شده است. مگر می‌شود آدمیزاد جغد شود. او در صحنه‌ای این را بازی کرد. جای کارهای درجه یک رضا عطاران در تلویزیون خالی است.

رضویان گفت: ۹۰ درصد خاطرات من غیرقابل پخش است. اینقدر خاطرات غیرقابل پخش دارم. نمی‌توانم بگویم. دلم می‌خواهد ولی نمی‌شود.

او تأکید کرد: من واقعا عاشق ناصر خان حجازی بودم. اصلا یک کاریزمای عجیب و غریبی داشتم. من خیلی کم دیدم او را ولی اولین باری که دیدم چهار ستون بدنم می‌لرزید از ذوق زدگی. چقدر رک بود و حرف دل می‌زد. چارلی چاپلین سردمدار سینمای سکوت بود. مگر می‌شود با چنین ابزارهای محدودی همچنان با او می‌خندیم. همه کارهایش دغدغه‌مند است. هیچ وقت خنده بی دلیل او را نمی‌بینید. من هر خواننده‌ای که بگویند را دوست دارم و کارهایشان را گوش می‌دهم. ممکن است کار هر خواننده‌ای از هر گوشه‌ای از جهان در شرایطی به جان و جگرمن بچسبد و گوش کنم و حال کنم. رضویان درباره اینکه چرا سر تمرین آبی‌پوشان حاضر شده است، گفت: چرا می‌خواهید انگ یک رنگی را به کسی بزنید. شما یک کوچولو حس انسان دوستانه تان اگر گل می‌کرد سر تمرین می‌رفتید. به خدا من اینقدر دلم برای بچه‌های آبی استقلال من سوخت. در شرایطی بودند که بدون مربی و مدیرعامل بودند. وزی اغفوری از دوستان نزدیک من است. به من گفت جواد یک روز بیا برویم سر تمرین. اتفاقا ما با علی کاظمی که یک پرسپولیسی به تمام معنا است رفتیم. من شدید بارسلونوایی هستم. بی‌خودی انگ تیم دولتی به من نزدیک کلا با تیم دولتی حال نمی‌کنم. تکلیفم مشخص است.

گفت‌وگو با پدram ابراهیمی

نگاهی به طنز نوشتن برای کرونا

(طنز در خدمت اهداف سیاسی هم هست). اگر بخوایم پای طنز متعهد را به میان بکشیم باید بگوییم طنز و طنزپرداز متعهد سعی می‌کند از ابزار خود برای روحیه دادن استفاده کند؛ مثلا در دوران کرونا خیلی از طنزپردازان به تولید چیزهای سرگرم‌کننده دست زدند تا آدم‌ها در خانه وقت بگذرانند، حتی برخی با کرونا مرتبط نبود و هدف‌شان ایجاد سرگرمی بود.

او درباره سطحی بودن برخی از طنزها و تاریخ مصرف داشتن آن‌ها گفت: مسئله این است که همه چیز به سمت ابتذال حرکت می‌کند و آدم‌هایی که در ریشه خود به این ابتذال علاقه ندارند به آن تن داده‌اند. در همکاران خودم و حتی خودم هم می‌شود این مسئله را دید و بدون این‌که متوجه آن شده باشیم به سمتش رفته‌ایم. شبکه‌های اجتماعی ساز و کاری دارد و زمانی که یک طنزپرداز می‌بیند به کار عمیق و خوب توجهی نمی‌شود اما در عین‌حال کسی می‌آید جلو دوربین، روسری سر

می‌کند و با سیبل یکسری دیالوگ بازمه می‌گوید، که هم اقبال عمومی به سمتش هست و هم عواید مادی برایش دارد، انگیزه تولید کار خوب در او کم می‌شود. ما در دورانی هستیم که هر یک دقیقه‌مان با دقیقه بعدمان به لحاظ تورم فرق می‌کند. نمی‌توان انتظار داشت کسی فداکاری کند و پافشاری داشته باشد که کار فاخر تولید کند. ابراهیمی در ادامه بیان کرد: البته من به طنز فاخر و غیرفاخر قائل نیستم، ولی ظاهرا مخاطب به طنز عمیق علاقه ندارد و اثباتش هم کار سختی نیست. با یک چرخ کوچک در اینستاگرام و دیدن میزان لایک‌ها و ارقام فالوئرهای صفحاتی که کار خوب تولید می‌کنند و صفحاتی که کار سطحی تولید می‌کنند، می‌توان به این موضوع پی برد. او در پایان از نوشتن کتاب جدید خود خبر داد و گفت: از سال ۹۷ مشغول نوشتن آن هستم و الان در مرحله بازنویسی‌ام. نامش هنوز مشخص نیست و شبیه انوبیوگرافی است و مشتمل بر جستارهای روایی و داستان‌های کوتاه است.

پنجشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۹

خبر

مرگ مشکوک بازیگر ۳۰ ساله و همسرش

بخش فرهنگی – گرینگوری تاپیری بویس هنرپیشه فیلم «گرگ و میش»(TWILIGHT) به همراه نامزدش در آپارتمان خود واقع در لاس وگاس مرده پیدا شدند. گرینگوری تیری بویس، که با بازی در نقش «تایلر کراولی» در اولین فیلم «گرگ و میش»، به شهرت رسید، در تاریخ ۱۳ ماه می در ۳۰ سالگی درگذشت. پلیس، هنرپیشه فیلم «گرگ و میش»(TWILIGHT) به همراه نامزدش در آپارتمان خود واقع در لاس وگاس مرده پیدا کرد.

بویس به همراه نامزد ۲۷ ساله اش «ناتالی آدیویو» در آپارتمانشان واقع در شهر لاس وگال مرده پیدا شدند.

هنوز علت مرگ این دو مشخص و اعلام نشده است. «بویس» سال ۲۰۰۸ در فیلم «گرگ و میش»، در نقش «کراولی»، دانش آموز دبیرستان «فورکس» بازی کرد که نزدیک بود با ماشین خود با «بلا» (کریستن استوارت) تصادف کند که «ادوارد»(با بازی رابرت پَیتینسون) که قادر بود ماشینی را که در حرکت است با دستاش متوقف کند، جلوی این حادثه را در این صحنه از فیلم گرفت. از اینجا بود که «بلا» به ادوارد مظلون شد که او یک خون آشام است.

بویس همچنین نقش کوتاهی را در فیلم کوتاه «آخرازمان» در سال ۲۰۱۸ ایفا کرد. البته «لیسا واین» و مادرش اخیرا گفته بودند که او در حال تاسیس یک رستوران است.

بویس در دسامبر ۳۰ ساله شده بود. او در یک پست اینستاگرامی خود نوشت: در یک مقطع فکر نمی‌کردم ۳۰ سالگی ام را ببینم. سالها مانند هر کس دیگری اشتباه کردم اما امروز یکی از آن روزهایی است که من فقط در مورد بزرگان تأمل می‌کنم. چه زمان مناسبی برای زنده ماندن!



بازیگر «زیرخاکی»: نمی‌فهمم چرا برخی تا این حد نسبت به پژمان جمشیدی گارد دارند

بخش فرهنگی – بازیگر فیلم ژانس شیشه‌ای گفت: نمی‌فهمم چرا برخی تا این حد نسبت به پژمان جمشیدی گارد دارند، برخی می‌گویند از فوتبال به سینما آمده است، بالاخره هر بازیگری از یک جایی وارد بازیگری می‌شود، مهم آنجاست که بهترین کیفیت را از خود ارائه داده است و برای این راه از بسیاری از بازیگران دیگر تلاش بیشتری می‌کند.

اصغر نقی‌زاده بازیگر سریال «زیر خاکی» گفت: با نظر من با سابقه چندین ساله‌ام هیچ چیز به اندازه انسانیت و اخلاق خوب در یک کار هنری باعث موفقیت نمی‌شود، مهمترین دلیل موفقیت این اثر بدون شک همین بود، جلیل سامان رابطه دوستانه ای با بازیگران داشت و همین رابطه خوب را به تمامی گروه انتقال داده بود. «زیر خاکی» از بازیگران در همین رابطه ادامه داد: با وجود اینکه بسیاری از بازیگران اثر از سینما آمده بودند و این روزها مخاطب خوبی را در سینما دارند اما جالب توجه آنجاست که این بازیگران به هیچ وجه با غرور وارد پروژه نشدند و همین عاملی بود تا بازیگران تلویزیونی و با بسیاری از جوانان حاضر در زیرخاکی به راحتی و بدون استرس جلوی دوربین بروند. وی داستان زیرخاکی را دلیل دیگری برای موفقیت اثر خواند و ادامه داد: همه ما به گذشته احساس خوبی داریم، خاطرات همیشه برای ما شیرین است، وقتی از کودکی حرف می‌زنیم، وقتی از خانه پدری حرف می‌زنیم بسیاری از خاطرات خوب برایمان مرور می‌شود، سریال «زیر خاکی» هم از جنس خاطرات بود، خاطراتی که به طبع برای بسیاری شیرین است، به شخصه بسیاری از میانسالان را می‌دیدم که با دیدن این سریال و فساسازی آن یاد دوران جوانی خود می‌افتادند و همین عاملی بود تا اثر را دنبال کنند. نقی‌زاده ادامه داد: داستان و فیلمنامه زیرخاکی به نوبه خود جذابیت‌های ویژه خود را داشت، داستان به نوعی خودمانی بود و به راحتی با مخاطبش ارتباط برقرار می‌کرد، مخاطب به راحتی جای شخصیت‌ها می‌ایستاد و زندگی آنها و عاقبتشان در اثر برایش از درجه اهمیت بالایی برخوردار بود. همذات پنداری مخاطبان با سریال زیرخاکی از بی‌الایش بودن و بدون ذوق و برق بودن اثر بر می‌گردد.

بازیگر فیلم «ژانس شیشه‌ای» درباره بازی «پژمان جمشیدی» در سریال زیرخاکی افزود: از نظر من بازی جمشیدی کاملا به اندازه و درست بود، وی هم اکنون از جمله بازیگران خوب سینما و تلویزیون محسوب می‌شود و خوشبختانه تمام حواشی که پیرامون وی ساخته شده را کنار زده است.

وی در همین رابطه تأکید کرد: من نمی‌فهمم چرا برخی تا این حد نسبت به پژمان جمشیدی گارد دارند، برخی می‌گویند از فوتبال به سینما آمده است، بالاخره هر بازیگری از یک جایی وارد بازیگری می‌شود، مهم آنجاست که بهترین کیفیت را از خود ارائه داده است و برای این راه از بسیاری از بازیگران دیگر تلاش بیشتری می‌کند. نقی‌زاده خاطرنشان کرد: خود من شاهد بودم که در همان زمان فیلمبرداری پژمان جمشیدی تا چه اندازه پیشنهاد کار داشت، وی به دنبال اثر نمی‌رود، جمشیدی برای بازیگری سراغ کارگردانان نمی‌رود بلکه آنها هستند که می‌خواهند وی در آثارشان بازی کند، مشخصا هر بازیگری در هر سطحی با وجود تعداد بالای پیشنهاد برخی از آنها را خواهد پذیرفت، در کل به نظر من این همه‌ها علیه جمشیدی درست نیست زیرا وی خواهان بسیاری در میان مخاطبان و فیلمسازان دارد.